

درباره‌ی پارس در سفرنامه‌ی سیاحان

دکتر کیوان سمانی هفت لنگ

مهندس سید سعید

به اهتمام مریم مرادی



معاونت دانش و پژوهش

نیروی دریائی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



سرشناسه: کیانی هفت‌لنگ، کیانوش، ۱۳۳۵ - عنوان و نام پدیدآور: دریای پارس در سفرنامه سیاحان/ کیانوش
کیانی هفت‌لنگ، مانی سعیدی، مریم مرادی {برای} معاونت دانش و پژوهش نیروی دریایی سپاه - مشخصات نشر:
تهران: اسرار دانش ۱۳۹۳ - مشخصات ظاهری: ۱۰۴ صفحه، مصور

شابک: 978-964-986-074-9

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: سفرنامه ها موضوع: خلیج فارس موضوع: خلیج فارس، منطقه — سیرو سیاحت

اسه افزوده: سعیدی، مانی

شناسه افزوده: مرادی، مریم

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی دریایی، معاونت دانش و پژوهش

بند: ۱۱۳ / ۹۵۴ کی / DSR2134

رده نشر: دیویس ۹۵۵/۷۳

شماره ثبت: ۳۵۳۱۴۳



اسرار دانش

اسرار دانش
www.asardanshesh.ir

نام کتاب: دریای پارس در سفرنامه سیاحان

نویسندگان: کیانوش کیانی هفت لنگ / مانی سعیدی / به ادغام مریم مرادی

ویراستار: اسفندیار کوهی - ثمره تقی زاده انصاری

طراحی جلد و صفحه آرای: محمد نوبخت

نوبت انتشار: چاپ اول، بهار ۱۳۹۳

شمارگان: ۳۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۶-۰۷۴-۹

قیمت: ۳۵/۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات اسرار دانش به سفارش نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مجری: موسسه فرهنگی هنری سپیده ماندگار ایرانیان "سما"

نشانی: بندرعباس، جنب اسکله شهید باهنر، ستاد نیروی دریایی سپاه. معاونت دانش و پژوهش.

تلفن: ۰۷۱۱۵۴۳۶۷۹۳

تهران، تهران‌نو، روبروی بازار میوه و تره‌باری پیروزی، ستاد نیروی دریایی سپاه (دفتر تهران)،

نماینده‌گی معاونت دانش و پژوهش ندسا. تلفن: ۰۲۱۳۳۳۳۳۶۸۰۳

حق چاپ برای نیروی دریایی سپاه محفوظ است.

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار ناشر
۱۳	مقدمه مولف
۱۷	فصل اول: سفرنامه‌های باستانی (یونان)
۲۲	خلیج فارس در عهد هخامنشیان
۲۶	خلیج فارس در عهد سلوکیان
۲۷	خلیج فارس در عهد اشکانیان
۲۸	خلیج فارس در عهد ساسانیان
۳۳	فصل دوم: سفرنامه‌های ایران از اعراب در سده‌های میانی
۳۸	خلیج فارس از نگاه مسخریان
۴۱	ابن حوقل و شگفتی‌های خلیج فارس
۴۹	جهانگردان اروپایی در خلیج فارس
۵۰	نتیجه گیری
۵۳	فصل سوم: سفرنامه‌های عصر صفوی تا قاجاریه
۵۵	مقدمه
۵۷	خلیج فارس در سفرنامه نویسان عصر صفویان
۷۴	خلیج فارس در سفرنامه نویسان عصر قاجاریه
۹۱	فصل چهارم: سفرنامه‌های معاصر
۹۹	سخن آخر
۱۰۱	فهرست منابع

پیش‌گفتار ناشر

وَالَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِي الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلَتَتَّبِعُوا
نُصْلَهُ وَآيَاتُكُمْ تَشْكُرُونَ»

خداوند همانا سب است که دریا را مسخر شما گردانید تا کشتی‌ها
به فرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره‌گیری.

سوره جاثیه آیه ۱۲

یک سوم مرزهای کشور را دریا احاطه کرده است و به این دلیل باید
گفت ایران کشوری است دریایی، اما آیا به واسطه این چنین است؟ آیا می‌توان
گفت یک سوم مردم ایران با دریا انس و الفت دارد و دریا جزء لاینفکی
از زندگیشان است؟ کدامین دریانورد ایرانی را می‌توانستیم پیدا کنیم که یادش در
اذهان عمومی ماندگار باشد؟ کدامین جنگاور دریایی است که نامش به دلاور
مردی بر زبان‌ها جاریست؟ کدامین نبرد بزرگ دریایی است که در برهه
افتخار از آن یاد می‌کنیم؟

گروهی برآنند که با بازگشت به دوره باستان و عصر هخامنشی،
مردمان ایران را در زمره کشورهای قرار دهند که دریا پیشه و دریانورد

بوده‌اند و برای مصداق، به حفر کانال سوئز در زمان داریوش و یا ناوگان عظیم دریایی خشایارشا در جنگ ایران و یونان اشاره می‌کنند و یا با دیدن چند نام شهر و یا بندر ایرانی در کتب تاریخی به دنبال اثبات نظریه خویش هستند، اما در پاسخ باید به چند مورد اشاره کرد:

اولاً؛ با داشتن یک نیروی قوی دریایی و یا وجود چند بندر بازرگانی نمی‌توان گفت مردمان آن کشور با دریا الفت دارند و دریا در زندگی آنان عنصر حیاتی به شمار می‌رود. اگرچه این امر برای عده‌ای از مردمان ساحل خلیج فارس است.

ثانیاً؛ در چند پادشاهان هخامنشی به اهمیت دریا و دریانوردی واقف بودند و تمام توان خود را بر ایجاد نیروی عظیم دریایی بکار گرفتند، اما به گواه تاریخ نیروی دریایی ایران متشکل بود از مصری‌ها، فنیقی‌ها، قبرسی‌ها و ساتراپ نشین‌های شرقی به جهت ساختن کشتی‌های بزرگ جنگی و ملوانی از سوی سپاه ایران اجیر شدند و در نهایت عدم آشنایی جنگاوران ایرانی با فنون دریانوردی و جنگ دریا سرنوشت ایران را در نبردهای دریایی "ترموپیل" و "سالامیس" خون‌آلودی دیگر رقم زد و پیروزی ایران را در مقابل یونان به یک رویا تبدیل نمود و این در حالی بود که سپاه ایران در نبرد زمینی "آتن" را به تصرف در آورد، پس اگر آن شکست دریایی نبود، اسکندری نبود که تخت جمشید را به تیران آتش به آتش کشد.

و اما بعد از هخامنشیان و روی کار آمدن "سلوکیان" یا همان جانشینان اسکندر، دریا و دریانوردی مورد بی‌مهری قرار گرفت. "اشکانیان"

نیز علاقه‌ای به داد و ستد دریایی نشان نمی‌دادند که شاید دلیل آن تسلط ایشان بر راه‌های زمینی بود که از غرب به شرق کشیده می‌شد. اما "ساسانیان" با اهمیت دادن به دریا و دادوستد دریایی و احداث بنادر، سعی در شکوفایی دوباره عصر هخامنشی داشتند اما با انقراض آن سلسله نیز، ریان‌رودی و بازرگانی دریایی از رونق افتاد.

در سال‌های بعد نیز انجام معاملات دریایی به آنگونه نبود که بار اصلی هزینه‌های کشور را بر دوش کشد. در دوران صفوی اقداماتی در زمینه احیای دوباره دریانوردی انجام شد و نیروی دریایی ایران پس از قرن‌ها شکل تازه‌ای به خود گرفت. اما با توجه به عقب ماندن از سایر ملل در زمینه صنایع دریایی عملاً قدرت و مزایای خود را از دست داده بود. به گونه‌ای که ثروت دریایی ایران در پیش حاکمان تاراج می‌رفت و جزایر از نفوذ حکومت مرکزی خارج بود. کار بر روی سید که مردمان حاشیه‌نشین خلیج فارس جسارت کرده و گاه به گاه به سواحل دریایی ایران حمله کرده و موجب آزار ساحل‌نشینان می‌شدند و دریغ حکومت صفوی با آن همه رشادت که در جنگ‌های عثمانی از خود نشان داد، دفع این مزاحمان دریایی عاجز ماند و برای دفع خطر دست به دامان بیگانه‌ها بین راندن پرتغالی‌ها هم با کمک انگلیسی‌هایی انجام شد که چشم به ثروت کشور داشتند و ایران را مرکز ثقل اتصال غرب به شرق می‌دانستند. ناچارش افشار نیز دست به یکسری اقداماتی زد، زندیان و قاجاریان نیز همینطور، اما ره بجایی نبردند. و به دور از تعصب باید گفت در عمل هرگز ایرانیان بر دریاها حکمفرما نشدند.

ثالثاً: شکوفایی اقتصادی بنادر بسته به رویکرد پادشاهان و یا حاکمان آن روزگار بود و با انقراض سلسله‌ای یا برکناری حاکمی، آن بنادر از رونق افتاده و یا حتی رو به ویرانی نهاده‌اند. این فراز و فرود، همه و همه ناشی از آن است که دریا آنچنان که باید ریشه‌ای عمیق در فرهنگ ایرانیان نداشته و به جرات باید گفت ما ایرانیان با دریا بیگانه‌ایم و این گفته را نیز سیاحان و دریانوردانی که پا به سرزمین ما نهاده‌اند اذعان داشته و در سفرنامه‌هایشان نشان داده‌اند.

در دوران ساسانیان با توجه به اهمیت روز افزون دریا و بخصوص منطقه استراتژیکی خلیج فارس اقداماتی در زمینه ساخت و تجهیز بنادر و نیز ساخت کشتی‌ها انجام گرفت و همچنین به مدد پیشرفت تکنولوژی و آسان شدن سفرها، ارتباط میان مرکز زمین و دور از ساحل با دریا بیشتر شده و امروزه سفر به شهرهای ساحلی یکی از برنامه‌های همیشگی مردمان دور از دریاست. اما با حضور در کنار ساحل و لحظاتی را به تفریح گذراندن نمی‌توان گفت این جامعه، یک جامعه دریایی است.

در اینجا توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنم:

• هیچکدام از شهرهای ساحلی ما جزء شهرهای صنعتی و یا کلان شهرها محسوب نمی‌شوند.

• در کشوری با این جمعیت، استقبالی از سفرهای دریایی نمی‌شود و هیچ شرکت کشتیرانی اقدام برگزاری این چنین سفرهایی نمی‌کند. (البته سفرهایی به کشورهای حاشیه خلیج فارس انجام می‌شود که بیشتر جنبه بازرگانی داشته و به علت کوتاه بودن مسیر نمی‌توان آن را جزء سفرهای

دریایی به حساب آورد).

• بنابر آمارهای رسمی و چیزی که کاملاً آشکار است مصرف سرانه غذایی دریایی در کشور پایین است. (بالاترین مصرف سرانه کشور در استان مازنی ۷ کیلوست در صورتی که این رقم برای سایر کشورهای دریایی ۱۵ کیلو می باشد).

• عدم موفقیت در ورزش های آبی در بازی های جهانی و المپیک.
• فقدان آشنایی غرق شدگان در کشور و ناآشنایی عموم مردم به فنون شنا.

با اندک تأمل بر موارد مذکور شده می توان به این نتیجه رسید که جامعه ایرانی یک جامعه دریایی محسوب نمی گردد و دریا برای ما ناشناخته است و باید گفت تا رسیدن به مرحله ای که کشورمان را یک کشور دریایی بنامیم فاصله ها داریم و این مهم محقق نمی گردد مگر با اشاعه فرهنگ دریا و دریانوردی از طریق رسانه ها، جراید، کتاب و آموزش های دریایی از دوران کودکی.

نیروی دریایی سپاه در تحقق فرمایش مقام معظم رهبری و فرمانده معظم کل قوا مبنی بر اینکه « اهمیت دریا برای هر کشوری یک فرصت بزرگ برای حفظ منافع ملی است، فواید دریا برای یک کشور و یک ملت فواید راهبردی است، فواید بزرگ و کلان است.» و با رویکردی دانشی و راستای اشاعه فرهنگ دریایی و شناخت بیشتر دریا و مناطق دریایی و گذشته دریایی این مرز و بوم به خانواده ها و سازمانهایی که بنوعی با زیر ساخت آموزشی سروکار دارند همچون آموزش و پرورش و سازمان ها و

مراکزی که حیطه کاریشان بطریقی با دریا عجین شده است اقدام به انتشار یک مجموعه کتاب با عنوان (کتاب دریا) کرده است که امیدواریم در شناخت هرچه بیشتر دریا و دریانوردی به هموطنان عزیز مؤثر واقع شده و این حرکت زمینه‌ای باشد در جهت رشد و ارتقای دانش دریایی فرزندان این سر و بوم. امید است مورد توجه قرار گیرد.

والسلام

معاونت دانش و پژوهش نیروی دریایی سپاه

مقدمه مولفان

اگرچه در این کتاب عامل ارتباط درون گروهی را زبان و گفت‌وگو بدانیم، «سفر» و «انتقال» تماس میان جوامع و ارتباط برون گروهی را می‌توان دومین اصل ارتباطی محسوب کرد. در گذشته‌های دور، تأثیر ارتباط به سبب کندی انتقال اسباب فقدان وسیله سفر و سلطه ارزش‌های سنتی کمتر از امروز بود، اما اکنون به لایزال پدید آمده در حوزه ارتباطات، چنان سرعت شگفت‌انگیزی گرفته که انسان را نیست و یکم را بی هیچ حد و مرزی به ناگاه به جایی به نام «دهکده جهانی» پرتاب کرده است.

بی‌گمان مسافران و سفرنامه‌هایی که در زمینه‌های گوناگون و در مکان‌های متنوع نوشته می‌شوند در تحول جوامع انسانی و انتقال تجارب و دانش به دیگران و نسل‌های بعدی، نقش مؤثری دارند. انسان از سیاحان برای نخستین بار از دروازه‌های جدید عبور کرده و دریچه‌ای به سیاهی تازه گشوده‌اند. جدا از تأثیرات فرهنگی متقابلی که پس از جنگ‌ها و سیل‌ها و داد و ستدهای بازرگانی اتفاق می‌افتاد، گردشگران و مسافران، هم‌چون خبرنگاران امروزی ارتباط میان تمدن‌های مختلف را در طول تاریخ بشر سبب شده‌اند. بازتاب گفت‌وگوها، برخوردها، کنش‌های فرهنگی و ارتباط‌های متقابل و آگاهانه مردمان سرزمین‌های دور و نزدیک در سفرنامه‌ها

آمده است. سفرنامه‌ها آینه تمام نمای واقعیت‌های زندگی انسانی از چشمان رهگذران کنجکاو است که حیات فردی و جمعی مردمان دیگری را به تصویر می‌کشد.

انگیزه سفر و سفرنامه‌نویسی بسته به شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی متغیر است و رابطه مستقیمی با رشد اقتصادی و اجتماعی افراد و جوامع گوناگون دارد. مقایسه تاریخی فراز و فرود سیاحت و گردشگری نشان‌دهنده تحولی تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بر جریان سفر و سفرنامه‌نویسی است.

به هر حال، سفرنامه‌ها اسناد مکتوبی در شناخت تاریخ روابط خارجی، تاریخ سیاسی، جغرافیا، فرهنگ عامه نیز به شمار می‌آیند و از این جنبه نیز بسیار سودمندند. بطور کلی سفرنامه‌ها به سبب نوع نگارش و موضوع، آمیزه‌ای از مطالب گوناگون است.

تعیین موضوع سفرنامه‌ها، با وجود گستردگی و پراکندگی آثاری چون گزارش‌های سیاسی، خاطرات، یادداشت‌های تاریخی، نگاری‌ها که هریک به نوعی به سفرنامه شباهت دارند، دشوار است. تعیین سفرنامه‌ها، ثبت وقایع هر زمان، در همان زمان است. بنابراین سفرنامه علمی نیست. ارزشمند و «دست اول» برای محققان تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و دیگر حوزه‌های علمی است. گردشگران قبل از نوشتن مطالب، درباره سفر و سرنوشت و پیشینه او و در نتیجه، آینده او به تفکر و اندیشه می‌نشینند. آنها «گذشته» را، معیاری برای زندگی «حال» و «آینده» می‌دانند.

بنابراین، سفرنامه هم «شرح حال» مسافر و سیاح و فرد فرد معاشران اوست و هم «تاریخ» جمع و جماعتی است که او با آنان ارتباط برقرار می‌کند. امروزه مهم‌ترین منبع برای شناخت ممالک در دوران‌های گذشته و تاریخ تاریخی و جغرافیایی و ساکنان آن دوران‌هاست.

قضاوت درباره هر فرد یا قوم را قاعدتاً باید از زبان ناظران آگاه و بی‌طرف شنید. سیاحان شاهدانی هستند که غالباً قضایا را آن‌چنان که دیده، وصف کرده‌اند. در چند باید توجه داشت که تصور دقت و صحت مطلق هم به دلایل گوناگون نباید از همه مطالب سیاحان و گردشگران داشت. ولی بطور نسبی سفرنامه‌ها از نیمه‌های سفارشی پر اهمیت‌تر هستند. برای مثال: با آنکه بعضی از سرچشمه‌ها در دوره پر ماجرای صفوی به ایران سفر کرده‌اند، نظر خوشی به شاه‌مان داشته‌اند، اما سفرنامه‌های اینان، با کنار هم نهادن همه نظریات و حذب نظرات افراطی آن، روشنگرتر و مفیدتر از تواریخی است که نویسندگان آنها بر حسب وظیفه یا تکلیف دست به قلم برده‌اند. (دانش پژوه، ۱۳۸۵، ۸).

در گذر سال‌ها، دهه‌ها و سده‌ها، ایران که سبب شرایط ویژه جغرافیایی، گذرگاهی طبیعی برای عبور مسافران سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا بوده است. رهروان بی‌شماری این سرزمین را با انگیزه‌ها و خواسته‌های متفاوت دیده‌اند. برخی از آنها دیده‌ها و شنیده‌ها و خاطره‌های سفر خود را نوشته‌اند و خواسته یا ناخواسته، در ادبیات سفرنامه‌ای، یادگاری گرانقدر از خود بر جای گذاشته‌اند. به استناد کتاب کتابشناسی ایران، در حدود ۲۶۵۲

سفرنامه درباره‌ی ایران توسط خارجی‌ها نوشته شده است. (ماهیار نوایی، ۱۳۵۷: ۲۸).

سیاحان و سیاستمداران خارجی که به ایران سفر کرده‌اند، ایران را بیشتر از جنبه‌ی سیاسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی توصیف کرده‌اند. برخی آنها، بیطرفانه گوشه‌هایی از فرهنگ، آداب و رسوم و شیوه زیست ما را به تصویر کشیده‌اند، برخی دیگر به راه غرض و کژفهمی افتاده و تصویری نادرست از ایرانیان در سفرنامه‌های خود ارائه داده‌اند. بخشی از نوشته‌های گردشگران و سیاستمداران خارجی به موضوع خلیج فارس و حضور ایرانیان در این آبراه بزرگ جهان اختصاص یافته است.

با توجه به اهمیت دریای خلیج فارس و نقش آنها در اتصال کشور به کشورهای دیگر، صادرات و واردات کالا و تأمین امنیت کشور، لازم است با موقعیت و اهمیت آنها آشنا شویم. یکی از منابعی که در این زمینه می‌تواند اطلاعات سودمندی در اختیار ما قرار دهد، سفرنامه‌های سیاحانی است که از دریا گذر کرده و به خلیج فارس آمده و از شهرهای ساحلی آن گذر کرده‌اند. کتاب حاضر که با هدف آگاهی از نوشته‌های دیدگاه‌های سیاحان ایرانی و خارجی درباره خلیج فارس فراهم آمده، به بررسی خلیج فارس یکی از مهمترین پهنه‌های آبی در جهان، در گزیده‌ای از سفرنامه‌های سفرنامه‌نویسان ایرانی و خارجی در دوره‌های گوناگون تاریخی می‌پردازد.

امید است نوشته‌های این کتاب آگاهی و دانش خوانندگان ارجمند را درباره دریا و خلیج فارس فزونی بخشد.

کیانوش کیانی هفت لنگ و مانی سعیدی